

## نماز جمعه و بسط قدرت نرم اجتماع سیاسی مسلمانان

سید محمود طیب حسینی\*

محمد شجاعیان\*\*

عبدالرسول حسینی زاده\*\*\*

فاطمه لطفی\*\*\*\*

### چکیده

نماز جمعه یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی اجتماعی تأسیس شده از جانب اسلام است که به‌عنوان یکی از منابع معنا بخش به حیات دینی-اجتماعی مسلمانان و تولیدکننده قدرت محسوب می‌شود. هدف نوشتار حاضر، تبیین کارکردهای سیاسی نماز جمعه با تأکید بر ایده قدرت نرم است، بر این اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که نماز جمعه چه تأثیری در قدرت نرم اجتماع سیاسی مسلمانان دارد؟ برای پاسخ به پرسش محوری که در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی اسلامی قابل طبقه‌بندی است با روشی توصیفی تحلیلی، نخست مفهوم قدرت نرم مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. سپس با توجه به پیوند نظری و تاریخی نماز جمعه و سیاست، کارکردهای سیاسی نماز جمعه در تولید و بسط قدرت نرم اجتماع مسلمانان، با تأکید بر متون دینی معطوف به نماز جمعه، تبیین شده است. بر این اساس و از منظری سیاسی، حداقل می‌توان سه کارکرد برجسته را برای نماز جمعه در زمینه ایجاد و ارتقای قدرت نرم در نظر گرفت. طبق نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، نماز جمعه با توجه به ویژگی‌هایی که به لحاظ محتوایی و شرایط برگزینی دارد؛ می‌تواند در ایجاد و ارتقای حداقل سه دسته از منابع قدرت نرم مؤثر باشد. این منابع عبارتند: مشروعیت سیاسی، افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای دینداری و بصیرت.

واژگان کلیدی: قدرت، قدرت نرم، نماز جمعه، سرمایه اجتماعی، مشروعیت.

## مقدمه

نماز جمعه هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ تاریخی با سیاست و حکومت پیوندی عمیق دارد. طبق رویکردی نظری، یکی از وظایف مسلمانان پس از تشکیل حکومت اسلامی، برپایی و اقامه نماز جمعه است. از لحاظ تاریخی نیز اولین نماز جمعه پیامبر ﷺ نیز بعد از هجرت ایشان به مدینه و شکل‌گیری حکومت اسلامی برپا شد. کیفیت و شرایط برپایی نماز جمعه و احکام مربوط به آن نیز به‌گونه‌ایست که برای امکان برپایی نماز، قدرتمند بودن مسلمانان، به لحاظ سیاسی یا به لحاظ اجتماعی ضرورت دارد. نماز جمعه از یک منظر، یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی مسلمانان و تولیدکننده قدرت محسوب می‌شود. هدف نوشتار حاضر، تبیین کارکردهای سیاسی نماز جمعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی و اجتماعی تأسیس شده از جانب اسلام با تأکید بر ایده قدرت نرم است، براین اساس سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که نماز جمعه چه تأثیری در قدرت نرم اجتماع سیاسی مسلمانان دارد؟ برای پاسخ به پرسش محوری که در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی اسلامی قابل طبقه‌بندی است با روشی توصیفی تحلیلی، نخست مفهوم قدرت نرم مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است، سپس با توجه به پیوند نظری و تاریخی نماز جمعه و سیاست، کارکردهای سیاسی نماز جمعه از منظر تأثیر آن در تولید و بسط قدرت نرم اجتماع مسلمانان، با تأکید بر متون دینی معطوف به نماز جمعه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

## ۱. چهارچوب مفهومی قدرت نرم

(بیتهام، ۱۳۹۰، ص ۱۶) قدرت همچون بسیاری از مفاهیم بنیادین در علوم مختلف، تعریف واحدی ندارد (نبوی، ۱۳۸۸). برخی قدرت را با توان ایجاد تغییر یا ایستادن در برابر تغییر در نظر می‌گیرند. برخی دیگر قدرت را توانایی دستیابی به خواسته‌ها تعریف کرده‌اند (نای، ۱۳۹۲، ص ۲۶). برخی معتقدند که در هر رابطه اجتماعی که دو یا چند نفر دخالت دارند یک رابطه یا پوشش قدرت وجود دارد. در این روند سن، جنس، قدرت اقتصادی، نظامی، اقتدار رسمی، منزلت، ارشد بودن، برخوردار از مقام و موقعیت و ایدئولوژی می‌تواند مورد توجه باشد؛ بنابراین تا زمانی که در میان گروه‌ها به سر می‌بریم و درگیر زندگی اجتماعی هستیم ناظر فعالیت‌های تعارض‌آمیز، مذاکرات و همکاری‌هایی در ارتباط با تولید توزیع و تخصیص منابع هستیم که در کلیه موارد مذکور قدرت، یک موضوع محوری است و سیاست، به‌طور مستمر بخش‌های مختلف جامعه را به نحوی تحت تأثیر قرار می‌دهد (قوام، ۱۳۸۹، ص ۳۳-۳۴). به علت اهمیت این موضوع در علم سیاست تاکنون از مفهوم قدرت تعاریف زیادی ارائه شده است و این مسلم است که قدرت در

تعریف با مفاهیمی از قبیل اقتدار و نفوذ همراه است و در شیوه اظهار با مفاهیمی چون زور، اجبار و ترغیب همراه است. قدرت به معنای توانایی دارنده آن است برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی (علی بابایی، ۱۳۹۱، ص ۴۸۳). برای روشن تر شدن مفهوم قدرت در ادامه به برخی از تعاریف اندیشمندان راجع به قدرت اشاره می‌گردد: ماکس وبر: «قدرت امکان خاص یک عامل (فرد یا گروه به خاطر داشتن موقعیتی در روابط اجتماعی است که بتواند گذشته از پایه اتکای این امکان خاص، اراده خود را با وجود مقاومت به کار بندد». گرین: «قدرت به طور ساده حد توانایی کنترل دیگران است به طوری که عملی را که از آنها خواسته شده است انجام دهند». هربرت گلدهامر و ادوارد شیلد: «قدرت، توانایی تأثیر گذاردن بر رفتار دیگران بنا به هدف‌های یک شخص است». مک آیور: «منظور از داشتن قدرت، توانایی تمرکز تنظیم یا هدایت رفتار اشخاص یا کارهاست». بنابراین توانایی تسلیم طرف مقابل و هدایت او به سوی مقاصد مورد نظر، مفهوم مشترکی است که تعاریف مختلف قدرت بر آن مبتنی است (عالم، ۱۳۸۸، ص ۸۹-۹۱). اعمال قدرت از سوی یک فرد بر افراد دیگر یا تسلط یک گروه بر گروه دیگر، یکی از ویژگی‌های اساسی تمام جوامع بشری است. با وجود این قدرت موضوعی چالش برانگیز نیز هست؛ بنابراین صاحبان قدرت تلاش می‌کنند آن را تحت قواعد توجیه‌پذیر و موجهی قرار دهند و از این رهگذر رضایت و نظر مثبت پیروان قدرت را نسبت به قدرت خود و اعمال آن کسب کنند؛ بر این اساس در یک تعریف وسیع قدرت یک شخص یعنی توانایی او برای ایجاد تغییرات دلخواه بر جهان اطراف خود به منظور تحقق بخشیدن و عملی کردن اهدافش در درون آن جهان (بیتهم، ۱۳۹۰، ص ۶۳). با رویکردی به عرصه سیاست و اجتماع، می‌توان قدرت را ظرفیت انجام کاری در شرایط اجتماعی اثرگذار بر دیگران در راستای کسب نتایج مطلوب تعریف کرد، اما در این میان عوامل بسیاری بر توان یک بازیگر در عرصه سیاست و اجتماع در کسب نتایج دلخواه اثرگذار است. در بحث شناخت قدرت، باید توجه داشت که قدرت چه بازیگر یا کارگزاری و در چه مقوله‌ای مورد نظر است. به عبارت دیگر در این زمینه بحث «حوزه قدرت» و «دامنه قدرت» اهمیت دارد. در بحث حوزه قدرت، فهمیدن اینکه چه کسی یا چه کارگزاری در روابط قدرت دخیل هستند مهم است و در بحث دامنه قدرت، دخیل بودن یا دخالت داشتن در چه مقوله‌ای و در کدام عرصه‌ای، اهمیت دارد (نای، ۱۳۹۲، ص ۲۹).

از یک منظر می‌توان به دو شکل به شناخت مفهوم قدرت نزدیک‌تر شد. منظر اول، نگاه به قدرت به عنوان برخورداری از منابع است. به این معنا که قدرت عبارت است از دارا بودن منابعی که قابل تبدیل به نتایج هستند؛ بر این اساس وقتی گفته می‌شود کشوری قدرتمند است مقصود آن است که به لحاظ جمعیت، سرزمین، منابع طبیعی، اقتصاد، بنیه نظامی و

ثبات اجتماعی غنی است. این تلقی از قدرت که می‌توان آن را «قدرت به‌مثابه دارا بودن منابع» در نظر گرفت، قدرت را مفهومی ملموس، سنجش‌پذیر و قابل پیش‌بینی در نظر می‌گیرد (نای، ۱۳۹۲، ص ۲۹). منظر دوم، نگاه به قدرت به‌عنوان نتایج رفتار است. منظر دوم که به نظر می‌رسد رویکرد دقیق‌تری نسبت به منظر اول به مقوله قدرت دارد، معتقد است صرف دارا بودن مجموعه‌ای از منابع لزوماً به رسیدن و به دست آوردن نتایج مطلوب منجر نخواهد شد. نیل به نتیجه تابع شرایط است. رسیدن به نتایج دلخواه، به رفتارهای شرایط‌مدار، بستگی دارد. اینکه ظرفیت‌های موجود در منابع، در عمل، تا چه حد قابل تبدیل شدن به نتایج مطلوب هستند به شرایط و مهارت‌های تبدیل آن منابع به راهبردهای منتهی به نتایج وابسته است (نای، ۱۳۹۲، ص ۳۱-۳۲). در هر حال، چه قدرت را به‌مثابه دارا بودن منابع در نظر بگیریم و چه آن را به‌مثابه نتایج رفتارهای شرایط‌مدار لحاظ کنیم، اثرگذاری بر دیگران و رسیدن به نتایج دلخواه، نتیجه اعمال قدرت خواهد بود. حال این اثرگذاری و تأثیر بر دیگر بازیگران می‌تواند از دو طریق مشخص صورت گیرد: از طریق اجبار و تشویق (به صورت تهدید کردن یا پاداش دادن) یا از طریق اقتناع و راضی کردن. وقتی بحث اقتناع و رضایت را در نظر بگیریم به ایده قدرت نرم (soft power) نزدیک می‌شویم. به عبارت دیگر نقطه عزیمت تحلیل قدرت نرم توجه به اقتناع و راضی کردن دیگران برای تأثیرگذاری است.

درباره قدرت نرم به‌عنوان یکی از انواع قدرت باید توجه داشت که این ایده، به یک معنا موضوع جدیدی در دانش سیاسی محسوب نمی‌شود. در تاریخ جوامع مختلف، شواهد زیادی از به‌کارگیری مفهوم قدرت نرم در عرصه سیاست و اجتماع وجود دارد. استفاده از فوننی همچون رجزخوانی، شعر و حيله در جنگ، فریب رقیبان در عرصه سیاست نشان‌دهنده سابقه دیرین تکیه بر قدرت نرم برای تأثیرگذاری در رفتارهای دیگر بازیگران به‌ویژه در عرصه سیاست بوده است (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص ۱۸). با این وجود وسعت کاربرد این مفهوم در ادبیات سیاسی جدید به‌ویژه از اوائل دهه هشتاد میلادی در قرن بیستم به بعد کم‌سابقه بوده است و موضوعی جدید محسوب می‌شود. برخی محققان حداقل یکی از علل توجه بیشتر به ایده قدرت نرم را وقوع انقلاب اسلامی در ایران می‌دانند. به این معنا که فرایند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به‌گونه‌ای بود که بسیاری از نظریات درباره اهمیت قدرت در جنبه سخت آن یعنی قدرت اقتصادی و نظامی را با چالش مواجه کرد و موجب شد قدرت نرم که نیروهای انقلابی در ایران از آن برخوردار بودند جایگاه برتری در مقایسه با قدرت سخت، به لحاظ تأثیرگذاری را اکتساب کند (محمدی، ۱۳۹۳، ص ۴۳؛ نبوی، ۱۳۸۸). قدرت نرم در

گذشته تاریخ نیز مطرح بود و به‌ویژه با ظهور اسلام و غلبه آن بر امپراطوری‌های بزرگ ایران و روم، نقش برجسته‌ای یافت، اما در دوران مدرن با سلطه اندیشه‌های ماتریالیستی از اوائل قرون جدید مورد غفلت قرار گرفت و یا اینکه صرفاً در پرتو قدرت مادی و سخت، معنا می‌یافت (محمدی، ۱۳۹۳، ص ۴۳). نظریات مدرن درباره قدرت که به باور برخی محققان از ماکیاوول و هابز شروع شده است و تا اواخر دهه هفتاد میلادی در قرن بیستم، تا حدودی نشان‌دهنده بی‌توجهی به جنبه‌های غیرمادی قدرت می‌باشد (آرکلگ، ۱۳۷۹). در هر حال آنچه مسلم است آن است که از دهه هشتاد میلادی در قرن بیستم، نظریات جدیدی درباره قدرت با محوریت قدرت نرم که در حقیقت تأکید بر جنبه‌های غیرمادی قدرت است؛ مطرح شد. درباره اینکه نظریه قدرت نرم در این دوران اولین بار توسط چه کسی مطرح شد اختلاف وجود دارد. برخی حمید مولانا - از محققان ایرانی - را اولین نظریه‌پرداز قدرت نرم می‌دانند: «مولانا برای نخستین بار در کتاب اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین‌الملل در سال ۱۹۸۶ به تعریف و تبیین قدرت نرم پرداخت. مولانا در تعریف قدرت نرم از واژه قدرت ناملموس استفاده کرد و منابع آن را دین، ارزش‌ها و باورها، ایدئولوژی و دانش معرفی کرد. او معتقد است قدرت نرم زیربنای قدرت سخت است و ماهیت آن را مشخص می‌کند» (محمدی، ۱۳۹۳، ص ۴۳). برخی دیگر از محققان، جوزف نای شخصیت‌شناس نئولیبرال آمریکایی را اولین نظریه‌پرداز قدرت نرم در دوران معاصر می‌دانند. نای قدرت نرم را به‌عنوان بخش مهمی از منابع قدرت ملی آمریکا تلقی می‌کند و بر ضرورت به‌کارگیری و بهره‌گیری از آن در سیاست خارجی این کشور اصرار دارد. او نظریه خود درباره قدرت نرم را طی مقاله‌ای با عنوان «ماهیت متحول قدرت جهان» در سال ۱۹۸۹ میلادی مطرح کرد و در آثار بعدی خود به بسط این ایده پرداخت (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص ۱۷). با این وجود به نظر می‌رسد به دلیل تقدم زمانی، باید دکتر حمید مولانا از محققان ایرانی را اولین نظریه‌پرداز قدرت نرم در دوران معاصر دانست. هرچند جوزف نای در مقالات و کتب پرشمار خود به ایده قدرت نرم توجه بسیاری کرد و این ایده را توسعه بخشید. در نتیجه نمی‌توان منکر آن شد که نای مشهورترین نظریه‌پرداز قدرت نرم است.

در هر حال، نقطه تمرکز قدرت نرم بر جنبه‌های غیرمادی یا به عبارت دقیق‌تر جنبه‌های فرهنگی قدرت است؛ براساس قدرت نرم، بر آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌هایی اطلاق می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهایی مانند فرهنگ، آرمان‌ها یا ارزش‌های اخلاقی تلاش می‌کند به صورت غیرمستقیم بر رفتارها یا منافع دیگران اثرگذار باشد (محمدی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). به عبارت دیگر در گفتمان قدرت نرم، رسیدن به نتایج دلخواه با توجه به ابزارهایی متفاوت از

ابزارهای قدرت سخت یعنی تهدید یا پاداش ملموس است. تأکید نظریه پردازانی همچون مولانا نیز بر جنبه‌های ناملموس قدرت نرم به همین دلیل است، زیرا اهمیت و تأثیرگذاری بیشتر قدرت نرم در مقایسه با قدرت سخت به دلیل آشکار و محسوس نبودن اثرپذیری آن بر گروه‌ها و کارگزاران هدف می‌باشد. جوزف نای، قدرت نرم را توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع تعریف می‌کند، بنابراین قدرت نرم بیش از وادار ساختن یا توانایی به حرکت درآوردن مردم با استدلال، به معنای توانایی جذب مردم به نحوی است که منجر به رضایت و تسلیم شدن آنها در برابر خواسته‌های ما گردد (جوزف نای، ۱۳۹۲، ص ۲۴). نقطه تمرکز قدرت نرم بر ذهنیت‌های مخاطبان است و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها بهره می‌گیرد. در یک جمع‌بندی کلی قدرت نرم را می‌توان چنین معنا نمود: توانایی نفوذ در قلب‌ها و اذهان مخاطبان و تحت سلطه قرار دادن آنها به گونه‌ای مسالمت‌آمیز و بدون خشونت. این قدرت عمدتاً از ابزار فرهنگی و اجتماعی کمک می‌گیرد و بر سیاست و اقتصاد جامعه هدف تأثیر می‌گذارد. توانایی تحت تأثیر قرار دادن اولویت‌های دیگران به شدت مبتنی بر ایجاد سرمایه‌های محسوس ملی مانند وجود شخصیت‌های جذاب و محبوب، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، نهادها و سیاست‌هایی است که از دید مردمان سایر کشورها مشروع یا دارای اقتدار معنوی دیده شوند (دلیرپور، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

در باره منابع قدرت نرم باید توجه داشت که این منابع با توجه به گفتمان حاکم بر فضای مفهومی ایده قدرت نرم از منابع قدرت سخت کاملاً متمایز است. هر چند که منابع قدرت سخت و قدرت نرم می‌توانند با یکدیگر ارتباط دو سویه نیز داشته باشند، اما منابع قدرت نرم عمدتاً به امور اخلاقی و فرهنگی معطوف است. در واقع جنبه‌های غیرمادی قدرت در این زمینه اهمیت قابل توجهی دارند و در این میان باورها و ارزش‌های دینی و الهی به‌ویژه موضوع مهم ایمان به خداوند، بسیار برجسته هستند (اسکندری و دارابکلایی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۷-۲۶۰). حتی نای، که نظریه‌پرداز نئولیبرال محسوب می‌شود نیز در این زمینه معتقد است ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی منابع اصلی قدرت نرم محسوب می‌شوند. هر چند او معتقد است گاهی قدرت اقتصادی و نظامی نیز در مواردی خاص می‌توانند به‌عنوان منبع قدرت نرم و عاملی برای آن در نظر گرفته شوند (نای، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵). اما محوریت اصلی در این زمینه با امور فرهنگی و ارزشی است. نای در این زمینه تأکید می‌کند: «قدرت نرم هر کشور در سه منبع بنیادین ریشه دارد: فرهنگ (در تقاطعی که برای دیگران نیز گیرا باشد) ارزش‌های سیاسی (چنانچه خود در درون و بیرون به آنها وفادار باشد) و سیاست خارجی (چنانچه دیگران آن را مشروع بدانند و مرجعیت اخلاقی آن را بپذیرند)

(نای، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳). برخی از محققان، مهم‌ترین منابع قدرت نرم را شامل هشت منبع اصلی در نظر می‌گیرند: فرهنگ، سرمایه اجتماعی، مشروعیت، دیپلماسی عمومی، اطلاعات، دین و ایدئولوژی، رهبران ایدئولوژیک، روحیه و خصائص ملی، و در نهایت دانش و فناوری (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص ۲۲). با این وجود موارد ذکر شده عمدتاً در رویکردی سیاسی به قدرت نرم مطرح می‌شود. به این معنا که قدرت نرم را در سطح یک دولت ملی در مقایسه با دولت‌های ملی دیگر در نظر می‌گیرد. به همین دلیل است که خصائص ملی یا رهبری به‌عنوان منابع قدرت نرم مطرح می‌شوند. باید توجه داشت قدرت نرم برخلاف قدرت سخت، صرفاً در اختیار دولت‌ها نیست. شرکت‌ها، نهادها، سازمان‌ها و حتی افراد نیز می‌توانند از قدرت نرم برخوردار باشند و مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار دهند (نای، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱). مثلاً یک فرد می‌تواند با مطلوب و دلپذیر جلوه دادن ایده‌ها، افکار و خواسته‌های خود و تبلیغ آنها، قدرت نرم خود را در تأثیرگذاری بر مخاطبان نشان دهد. در هر حال از میان مواردی که به‌عنوان منابع قدرت نرم مطرح شد، مقوله فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی اهمیت بیشتری دارد. یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم، فرهنگ و اصول فرهنگی حاکم بر یک جامعه است. به‌طور کلی فرهنگ به مجموعه‌ای از دانش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارها، طرز تلقی‌ها، آداب و رسوم مختلف اطلاق می‌شود که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه توسط انسان اکتساب می‌شود (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۶). در عرصه فرهنگ مقولاتی مانند هنر، رسانه، دانش و ورزش طرح می‌گردد. یکی از عوامل مهم فرهنگی، ایدئولوژی و مذهب یک جامعه است که می‌تواند دیگر جوامع را جذب نموده و بر نخبگان و مردم آن جامعه تأثیر گذارد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷، ص ۳۹).

## ۲. نماز جمعه: رویکردی قرآنی

روز جمعه یکی از اعیاد مسلمانان است و اعمال زیادی برای آن ذکر شده است که مهم‌ترین آنها شرکت در نماز جمعه است. نماز جمعه یکی از اولین عباداتی است که پس از به قدرت رسیدن مسلمانان و تشکیل حکومت اسلامی واجب شده است. در مورد اولین نماز جمعه مسلمانان دو نظر وجود دارد: عده‌ای معتقدند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همزمان با ارسال مصعب بن عمیر به مدینه برای آموزش احکام اسلامی به او دستور اقامه نماز جمعه را داد و اولین نماز جمعه با همکاری مصعب بن عمیر و اسعد بن زراره قبل از هجرت در مدینه با حضور تازه مسلمانان که حدود هفتاد نفر بودند؛ اقامه شد. از محتوای خطبه اولین نماز جمعه به امامت مصعب در مدینه، مطلبی در دسترس نیست (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۹۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۳۳). براساس این

دیدگاه، زمان برگزاری اولین نماز جمعه به قبل از هجرت پیامبر به مدینه و مشخصاً پس از بیعت‌های عقبه اول و دوم در سال دوازدهم بعثت باز می‌گردد. برخی محققان احتمال برگزاری نماز جمعه در مدینه که آن روزها یثرب نامیده می‌شد را ضعیف دانسته‌اند (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۳۱). نظر دوم که مشهورتر است آن است اولین نماز جمعه را پیامبر ﷺ سال اول هجرت در محله قبا برپا کرد. پیامبر ﷺ در روز دوشنبه دوازدهم ربیع‌الاول سال اول هجری وارد محله قبا شد و به انتظار ورود علی (علیه السلام) و همراهان در آن محله اقامت نمود و در روز جمعه از میان آن قبیله خارج شد و بر قبیله بنی‌عوف بن سالم وارد شد و در محوطه‌ای باز مردم را برای اجتماع برای نماز دعوت نمودند و اولین خطبه‌های نماز جمعه را در میان مردم اقامه نمودند (مسعودی، ۱۹۷۰، ج ۲، ص ۲۷۹). خلاصه محتوای خطبه ایشان به نقل از طبرسی چنین است: شهادت به یگانگی خداوند و حقانیت دعوت رسول خدا ﷺ، موعظه و تحذیر مؤمنان نسبت به رسیدن قیامت، دعوت به فضائل اخلاقی از قبیل تقوی و احسان به همنوعان و آمادگی برای جهاد فی سبیل‌الله (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۳۲).

قرآن کریم برای نماز جمعه اهمیت ویژه‌ای قائل و یک سوره کامل به این نام نازل شده است که در آن به برخی احکام نماز جمعه پرداخته است. در قرآن کریم لفظ جمعه تنها یکبار در آیه نهم همین سوره به کار رفته است و دو آیه بعدی نیز در مورد احکام نماز جمعه وارد شده است. در این آیات مسلمانان به شتاب نمودن برای شرکت در نماز جمعه امر شده‌اند و از هرگونه توجه به امور مزاحم از جمله خرید و فروش که موجب غفلت از نماز جمعه می‌شود؛ نهی شده‌اند:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ \* وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴾ (جمعه، ۹-۱۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید. و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید. هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تورا ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است». شأن نزول این آیات در مورد یکی از نماز جمعه‌های پیامبر ﷺ است. رسول خدا ﷺ در میان جمع کثیری از مردم مشغول خطبه نماز بود. کاروانی از تجار به

رهبری دحیه کعبی وارد مدینه شدند و به رسم آن روز، کاروانیان به منظور اعلام حضور خود، بر طبل و دایره کوبیدند، نمازگزاران رسول خدا ﷺ را ایستاده رها نموده به طرف کاروانیان متفرق شدند و جز تعداد اندکی باقی نماندند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۶۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۳۳). این آیات مسلمانان را به خاطر بی توجهی و ترک نماز جمعه توبیخ نموده و پاداش‌های معنوی گوش سپردن به خطبه‌های نماز جمعه را از منافع مادی خرید و فروش برتر دانسته و به آنان تذکر می‌دهد که در هنگام اقامه نماز جمعه از پرداختن به امور مادی دنیوی خودداری کنند. این آیات و دستورات مربوط به نماز جمعه خطاب به مؤمنان، نشان از اهمیت این فریضه در اسلام دارد که بروز هیچ حادثه‌ای نباید خللی در اقامه آن ایجاد نماید. مفاد خطبه‌های پیامبر ﷺ نسبت به موقعیت‌های زمانه تغییر می‌کرد. در اولین خطبه‌ها دعوت به احسان و نیکی و انفاق نمودن، ابزاری برای گرایش انصار مدینه برای پذیرش مهاجرانی بود که از مکه به مدینه آمده بودند و زندگی فقیرانه‌ای داشتند. در سال‌های اولیه هجرت مطالبی چون دعوت به جهاد در راه خداوند، نشانگر قدرت یافتن مسلمانان و توانایی آنها برای مبارزه با جرثومه‌های کفر و انتقام گرفتن از ظالمان بود.

### ۳. نماز جمعه و بسط قدرت نرم: رویکردی سیاسی

منابع قدرت نرم سیاسی و دینی به یکدیگر شباهت دارند. نقطه تمایز قدرت نرم دینی با قدرت نرم در حوزه سیاست، اضافه شدن محور ایمان در هر یک از منابع است به نحوی که در حوزه قدرت نرم دینی بهره بردن از سایر منابع در حدی است که با محور اصلی دین یعنی ایمان و اعتقاد دینی در تعارض نباشد؛ به‌طور خلاصه قدرت نرم دینی از سه منبع عمده نشئت می‌گیرد: ایمان، ارزش‌های سیاسی و ارزش‌های فرهنگی.

منابع قدرت نرم دینی عموماً از فرهنگ و اعتقادات مشترک و نمادهای دینی مورد قبول همه معتقدان به مذهب سرچشمه می‌گیرد، بنابراین در تحصیل قدرت نرم دینی تکیه ابتدایی بر اعتقادات و باورهای مشترک است و در درجه دوم ارزش‌های فرهنگی مبتنی بر این اعتقادات است و در مرحله بعدی ارزش‌های سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی به‌عنوان یک واحد مستقل و در ارتباط با سایر جوامع، مورد نظر اسلام است و هدف اصلی از حصول قدرت نرم دینی ایجاد اتحاد و انسجام بین دینداران می‌باشد.

بررسی نقش نماز جمعه در تقویت قدرت نرم جامعه اسلامی را می‌توان از طریق تحلیل نقش نماز جمعه در ارتقای منابع قدرت نرم، به‌ویژه منابع فرهنگی و ارزش‌های سیاسی

به سامان رساند. به عبارت دیگر برخی از منابع قدرت نرم، به‌ویژه آن دسته از منابعی که معطوف به سیاست داخلی از جمله ارزش‌های سیاسی و منابع فرهنگی هستند در بحث نماز جمعه قابل توجه هستند. به‌طور مشخص نماز جمعه با توجه به خصائصی که به لحاظ محتوایی و شرایط برگزاری دارد می‌تواند در ایجاد و ارتقای حداقل سه دسته از منابع قدرت نرم مؤثر باشد. این منابع عبارتند از: مشروعیت سیاسی، افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای دینداری و بصیرت.

از روایات مربوط به برپایی نماز جمعه می‌توان چند نکته سیاسی مهم برداشت کرد. اولین نکته، تأکید بر خواندن سوره‌های جمعه و منافقون در نماز جمعه است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۷). طبق برخی از روایات خواندن غیر این دو سوره در نماز جمعه جایز نیست (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۵۶). مضمون این دو سوره تکمیل‌کننده هم محسوب می‌شوند. تأکید بر تکرار هفتگی آیات سوره جمعه سبب یاد کردن خداوند و هوشیاری مسلمانان است؛ تا متاع زندگی اخروی را با بهره‌ای اندک از حیات دنیوی جایگزین نمایند. قسمت اعظم آیات سوره منافقون به بیان مهم‌ترین خصوصیات منافقان اختصاص می‌یابد. وجود یک طبقه اجتماعی خاص به نام منافقین مربوط به زمانی است که اسلام به لحاظ سیاسی در موضع قدرت قرار دارد به‌گونه‌ای که برخی مخالفان نمی‌توانند مخالفت خود را با قدرت سیاسی اسلام به صورت علنی آشکار کنند. آشنایی با ویژگی‌های دشمنان اسلام از جمله منافقین و هوشیار بودن در برابر فتنه‌ها و توطئه‌های آنان که در گذر زمان با توجه به تنوع در ابزارهای زمانه تغییر می‌یابد؛ نیز یکی از حکمت‌های تکرار سوره منافقون در روز جمعه و در این فریضه است. نکته دوم وجود دو خطبه مهم در نماز جمعه است که برجسته‌کننده خصوصیت سیاسی و اجتماعی آن است. دو خطبه نماز جمعه به منزله دو رکعت نماز است؛ از این‌رو باید در هنگام قرائت خطبه‌ها شرایط اقامه نماز حفظ شود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۱۳). در هنگام خطبه خواندن امام جمعه، گوش سپردن نمازگزاران به خطبه‌ها واجب است و هر کس در حین خطبه صحبت کند، مرتکب عمل لغو شده و هر که دچار کار لغو شود، نماز جمعه‌اش باطل است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۳۱). حضور امام جمعه شرط اساسی برای اقامه نماز جمعه محسوب می‌گردد؛ زیرا بدون حضور امام نماز جمعه تشکیل نمی‌گردد. ویژگی‌های امام جمعه با ویژگی‌های امام جماعت یکسان است (ر.ک: امام خمینی، بی‌تا، ص ۲۱۴). نکته دیگر در این زمینه دستور به حضور مستمر در نماز جمعه است. مهم‌ترین اعمال وارد شده در روز جمعه، شرکت در نماز جمعه است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شرکت در نماز جمعه را عاملی برای قبولی نماز و زکات و

روزه و حج می‌داند و مهم‌ترین نتیجه بی‌توجهی به حضور در نماز جمعه را دوری از اتحاد مسلمانان و ایجاد تفرقه و اختلاف می‌دانند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۱۱۲۵). ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز به شرکت در نماز جمعه بسیار مقید بودند و ترک آن را ناپسند می‌دانستند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۴۱؛ همان، ص ۲۹۹). یکی از علل اهمیت یافتن حضور در نماز جمعه و نهی وارده از ترک نمودن آن به محتوای خطبه‌های نماز جمعه و اصل اجتماع مؤمنین و شناسایی برادران دینی از یکدیگر برمی‌گردد.

مهم‌ترین بخش نماز جمعه اقامه دو خطبه قبل از نماز است. امام رضا علیه‌السلام علت وضع دو خطبه در نماز را چنین بیان می‌کند: «خطبه، برای این در روز جمعه تشریح شده است که نماز جمعه یک برنامه عمومی است. خداوند می‌خواهد به امیر مسلمین امکان دهد تا مردم را موعظه کند به اطاعت ترغیب نماید و از معصیت الهی بترساند و آنها از آنچه مصلحت دین و دنیایشان است آگاه سازد، و اخبار و حوادث مهمی که از نقاط مختلف به او می‌رسد و در سود و زیان و سرنوشت آنها مؤثر است به اطلاعشان برساند و دو خطبه قرار داده شده تا در یکی حمد و ثنا و تمجید و تقدیس الهی کنند، و در دیگری نیازها و هشدارها و دعاها را قرار دهند، و اوامر و نواهی و دستوراتی که با صلاح و فساد جامعه اسلامی در ارتباط است به آنها اعلام دارند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۴۴). اشاره امام رضا علیه‌السلام به کارکرد آگاهی‌بخشی و ارتقای بینش مسلمانان در خطبه‌ای نماز جمعه در واقع تأکیدی بر نقش برجسته نماز جمعه به لحاظ سیاسی است. تروج مصالح مسلمانان که بخشی قابل توجهی از آن مصالح سیاسی امت اسلامی است نشان‌دهنده جنبه‌های برجسته و البته با اهمیت نماز جمعه از منظری سیاسی است. باید توجه داشت که نماز جمعه چه به لحاظ نظری و چه از نظر تاریخی پیوند عمیقی با بسط قدرت سیاسی مسلمانان داشته است.

از نظر محتوا توجه به خطبه‌های وارد شده از معصومین در صدر اسلام نشان می‌دهد فارغ از شرایط سیاسی و اجتماعی خاص که اقتضائات خود را داشت محتوای خطبه‌ها معمولاً از یک الگوی خاص پیروی می‌کند. خطبه اول مشتمل است بر حمد و ثنای الهی و موعظه بندگان خدا، خواندن سوره‌ای کوتاه از قرآن و دعا نمودن و سلام دادن بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دعا برای برادران و خواهران مسلمان آخرین قسمت خطبه اول است که پس از نشستن کوتاه‌مدت امام جمعه، خطبه دوم شروع می‌شود که حمد و ثنای الهی، صلوات بر محمد و آل او و نام بردن اسم‌های ائمه علیهم‌السلام و دعا برای فرج آخرین امام و خواندن آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل که مؤمنان را دعوت به رعایت عدالت و احسان می‌کند از اجزای خطبه دوم است که امام باقر علیه‌السلام کیفیت آن را بیان نموده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۴۱)

در واقع پایان بخش کلام امام جمعه در خطبه دوم دعایی است که از جنبه سیاسی با اهمیتی برخوردار است و آن دعا برای برپایی دولتی جهان شمول و عدالت گستر است که در فرجام شناسی تفکر سیاسی شیعه مورد تأکید قرار گرفت است و آیات قرآن کریم نیز مؤید آن هستند. مضمون دعایی که امام باقر علیه السلام برای پایان خطبه دوم بیان کرده است این گونه است: «بار خدایا! ملتسمانه از تو می خواهیم دولت باشکوهی را برپا داری که به وسیله آن، اسلام و مسلمانان را عزت بخشی و نفاق و منافقان را به ذلت کشانی و در آن ما را از دعوتگران به سوی طاعت و پیشاهنگان راهت قرار دهی و به واسطه آن، کرامت دنیا و آخرت را نصیبمان فرمایی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷۲).

برخی از شرایط برگزاری نماز جمعه نیز در زمینه ایجاد قدرت نرم مؤثر است شرایطی مثل لزوم حضور حداقل هفت مرد برای انعقاد نماز جمعه است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۱۳). از دیگر شرایط نماز جمعه لزوم فاصله حداقل یک فرسخ بین محل برگزاری دو نماز جمعه است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۱۵). این قاعده به لزوم حضور حداکثری در نماز جمعه اشاره دارد چون به میزانی که حضور افراد در نماز جمعه بیشتر باشد؛ تأثیرگذاری و نفوذ نماز جمعه به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم بیشتر می شود.

امام جمعه هنگام خواندن خطبه ها ایستاده، بر کمان یا عصا تکیه می زند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۱۳) و امروزه امامان جماعت معمولاً به اسلحه ای تکیه می زنند. این دستور اولاً به لزوم حفظ آمادگی و هوشیاری امام جمعه در برابر دشمنان دین، اشاره دارد و ثانیاً به حفظ قدرت و عدم ضعف در برابر تهدیدهای بیرونی و درونی اشاره دارد، زیرا امام جمعه در عین استفاده از کلام بلیغ و سخنان رسای خویش که از ابزار قدرت نرم محسوب می گردد نباید از منابع قدرت سخت نیز غافل باشد، زیرا هر دو نوع قدرت در کنار یکدیگر کارساز هستند و برای پیشبرد اهداف سیاسی و فرهنگی اسلام، غفلت از هیچ یک جایز نیست. شرکت در نماز جمعه به مقبولیت امام جمعه نزد مردم بستگی دارد؛ به طوری که در تاریخ ثبت شده هنگامی که اهل کوفه به رهبری سلیمان بن سرد خزاعی برای امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و از ایشان برای حضور در کوفه دعوت نمودند یکی از دلایل خود را نارضایتی از نعمان بشیر حاکم کوفه ذکر کردند که این نارضایتی و عدم مقبولیت را با عدم شرکت در نماز جمعه نعمان نشان می دادند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۳۳).

### الف) نماز جمعه و مشروعیت سیاسی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای نماز جمعه از منظر قدرت نرم، موضوع بسط مشروعیت نظام سیاسی حاکم است. قدرت سیاسی به هر میزان که واجد مشروعیت باشد اعمال آن کم‌هزینه‌تر است (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص ۲۵) و نظام سیاسی در عملیاتی کردن برنامه‌ها و تنظیمات سیاسی خویش در عرصه داخلی و به نمایش گذاشتن چهره‌ای مطلوب از خود در عرصه خارجی با موانع بسیار کمتری مواجه است. قدرت سیاسی مشروع، قدرتی است که از سوی اعضای جامعه پذیرفته شده و در واقع اعضای جامعه وجود آن و اعمال آن را در راستای ارزش‌ها، اولویت‌ها و منافع جاری خود ارزیابی می‌کنند. در این میان وجود نماز جمعه و برپایی مستمر آن در شهرهای مختلف یک جامعه دینی، یکی از مهم‌ترین جلوه‌هایی که نشان‌دهنده استقرار حکومتی مقبول از منظر اعضای اجتماع سیاسی اسلامی است. برپایی نماز جمعه با قدرت یافتن اسلام و استقرار حکومت اسلامی به لحاظ نظری و تاریخی رابطه‌ای مستقیم دارد. طبق رویکردی نظری، یکی از وظایف مسلمانان پس از تشکیل حکومت اسلامی برپایی و اقامه نماز است (سوره حج، آیه ۴۱). و یکی از مهم‌ترین مصادیق برپایی و آشکار کردن نماز و خواندن آن، نماز جمعه است، به‌ویژه آنکه شرایط برپایی نماز جمعه به‌گونه‌ایست که قدرتمند بودن مسلمانان در این زمینه ضروریست.

اهمیت نماز جمعه و ارتباط آن با مشروعیت سیاسی نظام حاکم از منظری تاریخی، به خوبی نشان‌دهنده کارکرد غیرقابل انکار نماز جمعه در این زمینه است. از لحاظ تاریخی اولین نماز جمعه پیامبر ﷺ نیز بعد از هجرت ایشان به مدینه و شکل‌گیری حکومت اسلامی برپا شد. در زمان پیامبر ﷺ امامت این نماز جمعه در مدینه یا در نقاط دیگری که آن حضرت حضور داشت با ایشان بود. در موارد عدم حضور پیامبر ﷺ، امامت جمعه با کسانی بود که ایشان به‌عنوان نماینده یا جانشین، یا امیر منصوب کرده بود. پس از رحلت پیامبر ﷺ امامت با خلیفه اول بود و این موضوع به پذیرش و استقرار حکومت او کمک زیادی کرد. این جریان تا پایان دوران خلفای راشدین به همین ترتیب ادامه داشت (مسجد جامعی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶). اهمیت حضور در نماز جمعه به حدی بود که به برخی از زندانیان نیز اجازه داده می‌شد در روز جمعه با حفظ تدابیری در نماز جمعه شرکت نمایند (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۱). براین اساس از لحاظ تاریخی، نماز جمعه و جماعت در صدر اسلام اهمیت و جایگاه سیاسی و اجتماعی خاصی داشت. به‌ویژه نماز جمعه رمز اسلامیت، وحدت، تمامیت و ثبات و امنیت جامعه بود. نشانه آن بود که جامعه فرمان امیر و حاکم خویش را گردن نهاده است و او را به رسمیت شناخته است. به عبارت دیگر برپایی

نماز جمعه و حضور مردم در نمازی که عموماً به امامت حاکم اسلام یا نماینده او برگزار می‌شد نشان‌دهنده آن بود که حاکم و رهبر جامعه اسلامی، قدرت و موقعیت خود را تثبیت و تحکیم بخشیده است (مسجد جامع، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵). اهمیت و کارکردهای سیاسی نماز موجب می‌شد حتی حاکمانی که در عمل وفاداری چندانی به آموزه‌های اصیل اسلامی نداشته‌اند تلاش کنند نماز جمعه را در اختیار خود بگیرند و از برپایی آن توسط مخالفین خود جلوگیری کنند. به‌عنوان نمونه خلفا و حکام بنی‌امیه، منصب نماز جمعه را عمدتاً منصبی حکومتی می‌دانستند و برپایی نماز جمعه را از کارکردها و اختیارات حکومت خود در نظر می‌گرفتند. رها کردن نماز جمعه و امامت در آن از نظر حکام اموی مغایر با حاکمیت و استقرار مشروعیت آنها بود. آنها خواستار قدرت و حکومت بودند و این امر در صورتی محقق می‌شد که امامت جمعه نیز بر عهده خود آنها باشد (مسجد جامع، ۱۳۸۵، ص ۲۳۸).

برای امام جمعه شرایط و ویژگی‌های خاصی وجود دارد و در صورت وجود این شرایط در فرد جامع‌الشرایط قبولی سمت امامت جمعه بر او واجب می‌گردد و مردم به‌عنوان مأمومین نیز موظف به گوش فرادادن به خطابه و مواعظ امام جمعه هستند. شرکت پررنگ مردم در نماز جمعه تأیید امام جمعه و به‌طور مستقیم تأیید رهبر جامعه محسوب می‌شود. به این نحو در هر جامعه شهری همه از یک رهبر مذهبی و سیاسی در عرصه امامت جمعه پیروی می‌کنند. امامان جمعه که در واقع مأذون از رهبر جامعه اسلامی هستند؛ نماینده او در سراسر سرزمین اسلامی حساب می‌شوند. مردم با اطاعت از ائمه جمعه در واقع آمادگی خود را برای اطاعت از رهبر جامعه اسلامی نشان می‌دهند. اطاعت‌پذیری از امام جمعه وسیله‌ای برای ایجاد تأثیر در قلوب نمازگزاران در هنگام اتخاذ دستورات سرنوشت‌ساز است. یکی از این مواقع، زمان‌هایی است که جامعه دچار بحران‌هایی شده که در صورت درمان نشدن، آن را به بی‌ثباتی و تفرقه می‌کشاند و رفع آن معضل جز با عزم جمعی امکان‌پذیر نمی‌باشد. از این‌رو امام جمعه با استفاده از قوه پذیرش جمعی و با ابزارهای تشویقی مثل بیان اهمیت اخوت و برادری بین مسلمانان و بیان اجر و پاداش بخشش‌های مالی و فداکاری‌های جانی نزد خداوند، وظیفه دعوت و بسیج نمودن مردم را ایفا می‌نماید.

**ب) نماز جمعه و افزایش سرمایه اجتماعی**

سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> از جمله منابعی است که به تولید و افزایش قدرت نرم منجر خواهد شد. برخورداری اعضای یک اجتماع سیاسی از شاخص‌های مختلف سرمایه اجتماعی موجب خواهد شد. این اجتماع از جوامعی که چنین سرمایه‌ای را به لحاظ اجتماعی ندارند قدرتمندتر باشد؛ از جمله شاخص‌های سنجش قدرت نرم میزان برخورداری اعضای یک اجتماع از «اعتماد» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مطرح در حوزه سرمایه اجتماعی است. هر کشوری برای برخورداری از قدرت نرم باید بتواند با ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی زمینه ضروری لازم برای حرکت در مسیر دستیابی به ارزش‌های مورد نظر خود را فراهم کند. این اعتماد در دو سطح مردم-مردم و حاکمیت-مردم قابل تجلی و بازیابی است (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص ۲۴). حضور هرچه بیشتر مردم در نماز جمعه در هر دو سطح مذکور موجب ارتقای شاخص اعتماد خواهد شد. حضور مردم در نماز جمعه، که یکی از نهادهای سیاسی دینی محسوب می‌شود و نشان‌دهنده اعتمادی است که میان مردم و حاکمیت سیاسی وجود دارد. همچنین با توجه به محتوای خطبه‌ها، می‌توان گفت نماز جمعه از طریق ایجاد همبستگی اجتماعی و وفاق که در اعمال مشترکی که نمازگزاران باید انجام دهند تجلی می‌یابد به تقویت بنیان‌های همبستگی و وفاق اجتماعی منجر می‌شود. اجتماعی که در میان اعضا آن حس اعتماد و همبستگی اجتماعی وجود دارد از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار خواهد بود. نماز جمعه با توجه به ارتباط محکم تاریخی و نظری خاصی که با سیاست دارد محل حضور گرایش‌های سیاسی و اجتماعی مختلف موجود در جامعه خواهد بود. نماز جمعه موجب می‌شود گروه‌های سیاسی مختلف در مرکزی دینی گردهم آیند و در عبادتی که از جنبه‌های سیاسی برجسته‌ای برخوردار است به صورت جمعی و مشترک نقش‌آفرین باشند. این همبستگی و حضور مشترک موجب می‌شود در زمان‌هایی که جامعه با مشکلات و بحران‌های سیاسی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود، بنیان‌های اجتماع به فروپاشی نیانجامد.

**ج) نماز جمعه و ارتقای دینداری و بصیرت**

دین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تقویم‌بخش ارزش‌ها و باورها در یک اجتماع سیاسی دینی که یکی از منابع قدرت نرم محسوب می‌شود. هرچند در یک جامعه غیردینی شاید نتوان ارزش‌های دینی؛ به‌ویژه در معنای توحیدی آن را از منابع قدرت نرم در نظر گرفت، اما در یک اجتماع دینی بدون تردید دینداری اعضای جامعه به معنی وجود ظرفیتی بسیار بالا به منظور بسط قدرت نرم است.

1. social capital

دین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های مروج ارزش‌ها و باورها از مراجع بینش‌دهنده تلقی می‌شود که در نتیجه یکی از بارزترین مؤلفه‌هایی است که نقشی تعیین‌کننده در فرهنگ به‌عنوان نقطه کانونی قدرت نرم دارد. ماهیت دین به‌گونه‌ای است که جهت‌گیری‌های اصلی را ترسیم کرده، معیار خیر و دوستی از یک‌سو و شر و دشمنی از سوی دیگر را تعیین می‌کند. یکی از کارکردهای دین انگیزه‌آفرینی و تقویت ایمان و باور به هدف است (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص ۲۶). اگر از این منظر به نماز جمعه توجه شود آنگاه نقش آن در تقویت و بسط دینداری در اجتماع مسلمانان به‌عنوان یکی از منابع قدرت نرم روشن خواهد شد؛ براین‌اساس یکی از مهم‌ترین کارکرد نماز جمعه یاد خداوند در بهترین روز هفته و روز عید مسلمانان است. خداوند در سوره جمعه از نماز جمعه به یاد خدا نام برده و مسلمانان را سفارش نموده تا برای درک به یاد خدا شتاب نمایند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که بانگ اذان نماز روز جمعه برخاست، داد و ستد را رها کرده و به سوی ذکر خدا بشتابید. این کار برای شما بسیار بهتر است اگر بدانید» (جمعه، ۹). منظور از ذکر الله در این آیه، اقامه نماز جمعه یا شنیدن خطبه‌های قبل از آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۷۳). روز جمعه بهترین موعد یاد کردن خداوند و دور نمودن بندگان از خودفراموشی است. تذکر و موعظه بهترین وسیله نجات از خودفراموشی است، وظیفه‌ای که امام جمعه آن را به عهده می‌گیرد. قسمتی از خطبه‌های نماز جمعه به موعظه مخاطبان نسبت به دوری از گناه و معصیت و یادآوری حوادث گذشته و پندآموزی و عبرت‌گیری از آن حوادث اختصاص می‌یابد. تا مردم ضمن یادآوری لطف و رحمت گسترده الهی دچار غفلت و روزمرگی نشوند.

یکی از وظایف امام جمعه آگاه نمودن مردم به مصالح دنیوی و اخروی ایشان است. امام رضا علیه السلام در بیان فلسفه و جوهر خطبه‌های در نماز جمعه؛ علاوه‌بر موعظه و عبرت‌پذیری مردم به لزوم افزایش بصیرت و آگاهی آنها به مسائل اجتماعی نیز اشاره نموده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «خطبه نماز جمعه برای این قرار داده شده که نماز جمعه یک برنامه عمومی است. خداوند می‌خواهد به امیر مسلمانان امکان دهد تا مردم را موعظه کند و به اطاعت ترغیب نماید و از معصیت الهی بر حذر دارد و آنها را از اخبار و حوادث مهمی که از نقاط مختلف به او می‌رسد و در سود و زیان و سرنوشت آنها مؤثر است، مطلع سازد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۷۳). معمولاً خطبه دوم نماز جمعه به بیان مهم‌ترین مسائل روز و تحرکات سیاسی جهان اسلام و بیان حوادثی که در جهان اسلام اتفاق می‌افتد، اختصاص می‌یابد. یکی از وظایف امام جمعه آشنا نمودن مردم با بحران‌های سیاسی و اجتماعی جاری در جهان معاصر و آگاهی از جریان‌های حاکم

بر زندگی مسلمانان است. بصیرت‌بخشی نسبت به وقوع کمبودها، اختلافات، درگیری‌ها و جنگ‌ها به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و کشف توطئه‌های دشمنان در جوامع اسلامی کارکرد مهم نماز جمعه است.

### نتیجه‌گیری

ضرورت برپا داشتن جمعی نماز جمعه، ارتباط امامت نماز جمعه با حکومت اسلامی، ضرورت حضور مستمر مسلمانان در نماز جمعه و محتوای خطبه‌های نماز جمعه که بخشی از آن معطوف به اطاعت‌پذیری از حاکم اسلام و مطلع ساختن مردم از حوادث مهم اجتماعی سیاسی مربوط به مسلمانان است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۷۳)، نشان‌دهنده ارتباط محکم نماز جمعه با سیاست و حکومت است. این ارتباط وقتی برجسته‌تر می‌شود که بدانیم امام جمعه عمدتاً رهبر سیاسی اجتماع مسلمانان یا منصوب از طرف اوست. روز جمعه که در نزد اعراب از دیرباز، روز تعطیل محسوب می‌شد، پس از اسلام یکی از اعیاد چهارگانه مسلمانان معرفی شده است و وجوب اقامه نماز جمعه در آن روز در واقع به معنای سپاسگزاری بر سلامت جسمانی و شکر نعمت‌های اعطا شده به انسان است. نماز جمعه یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که پس از استقرار حکومت اسلامی، توسط اسلام بنا گشته و اهداف مهمی برای آن در نظر گرفته شده است. ذکر الله، ایجاد وحدت و انسجام بین مسلمانان، بصیرت‌افزایی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی، افشای توطئه‌های دشمنان، بسیج مردم و ایجاد آمادگی در مبارزه با عوامل مخل اتحاد اسلامی. در این میان از منظری سیاسی، حداقل می‌توان سه کارکرد برجسته را برای نماز جمعه در زمینه ایجاد و ارتقای قدرت نرم در نظر گرفت. این کارکردها معطوف به برخی ارزش‌های سیاسی به‌ویژه از طریق بسط دینداری آگاهانه در اجتماع مسلمانان است. بررسی نقش نماز جمعه در تقویت قدرت نرم جامعه اسلامی را می‌توان از طریق تحلیل نقش نماز جمعه در ارتقای منابع قدرت نرم، به‌ویژه منابع فرهنگی و ارزش‌های سیاسی به سامان رساند. به‌عبارت‌دیگر برخی از منابع قدرت نرم، به‌ویژه آن دسته از منابعی که معطوف به سیاست داخلی از جمله ارزش‌های سیاسی و منابع فرهنگی هستند در بحث نماز جمعه قابل توجه هستند. به‌طور مشخص نماز جمعه با توجه به ویژگی‌هایی که به لحاظ محتوایی و شرایط برگزاری دارد می‌تواند در ایجاد و ارتقای حداقل سه دسته از منابع قدرت نرم مؤثر باشد. این منابع عبارتند: مشروعیت سیاسی، افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای دینداری و بصیرت. کارکردهای نماز جمعه در بسط قدرت نرم اجتماع دینی، براساس آنچه در نوشتار حاضر مطرح شده، عمدتاً مربوط به دوران حاکمیت یک

دولت اسلامی است، اما در شرایط عدم استقرار دولت اسلامی نیز می‌توان برای نماز جمعه در تقویت قدرت نرم اجتماعی و سیاسی مسلمانان بخشی از آنها به‌ویژه کارکرد مربوط به افزایش سرمایه اجتماعی و کارکرد مربوط به ارتقای دینداری و بصیرت را همچنان محقق و تأثیرگذار دانست. باید توجه داشت که حتی نظام‌های سیاسی نامشروع در زمان سلطه سیاسی خود تلاش کرده‌اند نماز جمعه و کارکردهای سیاسی با اهمیت آن را در ذیل سیاست‌های خود قرار دهند. به‌عنوان نمونه نظام پهلوی به‌ویژه پهلوی دوم تلاش می‌کرد از یک‌سواثمه جمعه حکومتی را در شهرهای مهم و به‌ویژه مذهبی منصوب کند و از سوی دیگری از برپایی نمازهای جمعه مستقل از سیاست‌ها و نگرش‌های دولت پهلوی جلوگیری می‌کرد. این مسئله به‌ویژه هنگامی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که بدانیم دولت پهلوی اساساً از بحران مشروعیت به‌ویژه مشروعیت دینی رنج می‌برد و از این منظر تلاش می‌کرد تا ضمن جلوگیری از فعالیت نیروهای سیاسی مذهبی از طریق نماز جمعه‌های مستقل، بتواند به نوعی بحران مشروعیت خود را از طریق برپایی نماز جمعه‌های مورد قبول خود، کاهش دهد. تلاشی که به دلیل مخالفت صریح نیروهای سیاسی مذهبی و به‌ویژه مرجعیت تشیع، فایده چندانی برای رژیم پهلوی نداشت.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم، دوم: ۱۳۷۳.
۲. آرکلگ، استوارت، چهارچوب‌های قدرت، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، اول: ۱۳۷۹.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری، اول: ۱۳۸۵.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم: ۱۴۱۳ق.
۵. اسکندری، محمدحسین و اسماعیل دارابکلائی، پژوهشی در موضوع قدرت: انواع، منابع، پیامدها و کنترل آن، قم: پژوهشگاه، حوزه و دانشگاه، دوم: ۱۳۹۱.
۶. بیتهام، دیوید، مشروع‌سازی قدرت، ترجمه محمد عابدی اردکانی، یزد: دانشگاه یزد، دوم: ۱۳۹۰.
۷. پوراحمدی، حسین، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب، اول: ۱۳۸۹.
۸. جعفریان، رسول، تاریخ تحول دولت و خلافت: از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان، قم: بوستان کتاب، چهارم: ۱۳۸۶.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)، اول: ۱۴۰۹ق.
۱۰. خمینی، روح‌الله الموسوی، تحریر الوسیله، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۱۱. دلیرپور، پرویز، «زوال قدرت نرم ایالات متحده آمریکا»، تهران: دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۷: ۱۳۹۱.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، پنجم: ۱۴۱۷ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، سوم: ۱۳۷۲.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، اول: ۱۴۱۲ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب اسلامی، چهارم: ۱۴۰۷ق.
۱۶. عالم، عبدالرحمان، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، بیستم: ۱۳۸۸.
۱۷. علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی آرش، تهران: آشیان، چهارم: ۱۳۹۱.
۱۸. فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم: ۱۴۲۰ق.
۱۹. فیض کاشانی، محمدحسین، الوافی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین، اول: ۱۴۰۶ق.

۲۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو، اول: ۱۳۶۴.
۲۱. قهرمانپور، عسگر (به کوشش)، دانشنامه قدرت نرم، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، اول: ۱۳۹۳.
۲۲. قوام، عبدالعلی، سیاست‌شناسی، مبانی علم سیاست، تهران: سمت، اول: ۱۳۸۹.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم: ۱۴۰۷ ق.
۲۴. گلشن‌پژوه، محمودرضا، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد، اول: ۱۳۸۷.
۲۵. محمدی، منوچهر، دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی در سطوح ملی، منطقه‌ای، جهانی و تاریخی، قم: نشر معارف، سوم: ۱۳۹۳.
۲۶. مسجد جامعی، محمد، زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، تهران: نشر ادیان، چاپ اول: ۱۳۸۵.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر الاخبار الانمة الاطهار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، دوم: ۱۴۰۳ ق.
۲۸. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت: بی جا، ۱۹۷۰ م.
۲۹. نای، جوزف. اس، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی، اول: ۱۳۹۲.
۳۰. نبوی، سیدعباس، فلسفه قدرت، تهران: سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم: ۱۳۸۸.